

## آسیب‌شناسی اجرای بانکداری اسلامی در کشور: دلالت‌هایی برای تحول در نظام بانکی

حسین میسمی\*

وهاب قلیچ\*\*



### چکیده

نظام بانکی در کشور از دیدگاه تطابق با تعالیم شریعت اسلام است. این تحقیق تلاش می‌کند ابعاد اسلامی طرح تحول در نظام بانکی را از طریق برجسته‌نمودن ۱۰ مورد از مهم‌ترین چالش‌های وضع موجود نظام بانکداری بدون ربا در کشور مورد توجه قرار دهد و از این طریق، توجه برنامه‌نویسان و مسئولین طرح را به این ابعاد معطوف نماید. گرچه تمرکز اصلی مقاله، برجسته‌نمودن این چالش‌ها می‌باشد، اما در هر مورد تلاش می‌شود تا راه‌حلی، هر چند ابتدایی، ارائه شود و از این طریق زمینه بحث و گفتگو در این رابطه فراهم گردد.

یکی از محورهای طرح تحول اقتصادی که توسط دولت محترم مورد توجه قرار گرفته است، تحول در نظام بانکی می‌باشد. مسلماً این تحول دارای ابعاد مختلفی بوده که نمی‌توان از هیچ یک از آنها غفلت نمود. یکی از این ابعاد، که شاید مهم‌ترین بعد نیز باشد، تحول در میزان اسلامی‌بودن نظام بانکداری در کشور است. به عبارت دیگر، یکی از محورهای اصلی قابل تصور برای این تحول، پرداختن به چالش‌های

\* کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).

\*\* کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.

به فناوری‌های روز، تقویت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و غیره. به نظر می‌رسد محور بسیار مهم دیگری نیز جهت انجام تحول در نظام بانکی قابل تصور باشد و آن چیزی نیست جز ارتقای سطح اسلامی عمل کردن نظام بانکی در کشور.

بررسی بیش از دو دهه تجربه بانکداری اسلامی در کشور نشان‌دهنده این مطلب است که چالش‌ها و مشکلات موجود در مواردی منجر به همگرایی و مشابهت نظام بانکداری بدون ربا در ایران با نظام بانکداری ربوی گردیده است و به عبارت دیگر، نظام بانکداری اسلامی در کشور در مواردی عملکردی شبه‌ربوی داشته است. از این رو به جرأت می‌توان گفت وضع موجود بانکداری اسلامی در کشور با وضع ایده‌آل بانکداری اسلامی که در سطح گسترده در ادبیات نظری اقتصاد و مالیه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، فاصله زیادی دارد. با توجه به این مطلب و تأکیدات مشخصی که مسئولان حکومتی (از جمله رئیس‌جمهور محترم) بر اسلامی عمل کردن نظام بانکی دارند و نیز تعهدی که بانک مرکزی بر تضمین اسلامی بودن عملکرد بازار پول در کشور بر عهده دارد،<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد دیگر زمان آن فرارسیده است که در ذیل طرح تحول در نظام بانکی، تلاش گردد سطح اسلامی

## محور بسیار مهم دیگر جهت انجام تحول در نظام بانکی چیزی نیست جز ارتقای سطح اسلامی عمل کردن نظام بانکی در کشور

### ۱. مقدمه

تجربه ۲۶ سال اجرای قانون بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، حاکی از آن است که نظام بانکی در حوزه‌های مختلف با چالش‌های گوناگونی مواجه گردیده و دولت با توجه به این چالش‌ها، «طرح تحول نظام بانکی» را به عنوان یکی از حوزه‌های تحول اقتصادی مطرح کرد. به نظر می‌رسد منظور از تحول در نظام بانکی، آن است که راهکارهایی برای تقویت نظام بانکی و از بین بردن و یا کاهش چالش‌های موجود ارائه گردد. این طرح مهم، که می‌تواند انقلاب نظام بانکداری لقب گیرد، در چندین محور اساسی قابل تصور است. برخی از این محورها عبارت‌اند از: گسترش دسترسی به خدمات بانکی در سطح کشوری، تقویت شفافیت و اصول حاکمیت شرکتی، توسعه منابع انسانی، ارتقای سطوح مدیریت بانکی، تجهیز نظام بانکی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



## بررسی بیش از دو دهه تجربه بانکداری اسلامی در کشور نشان‌دهنده این مطلب است که چالش‌ها و مشکلات موجود در مواردی منجر به همگرایی و مشابهت نظام بانکداری بدون ربا در ایران با نظام بانکداری ربوی گردیده است

تشکیل می‌دهد و کلیه عقود و روابطی که به نحوی از انحا (به صورت فردی و مجموعه‌ای) با یکی از موارد پیش‌گفته تعارض داشته باشد، به لحاظ شرعی دارای اشکال است، هر چند به لحاظ دیدگاه صرف فقهی نتوان به آن اشکالی وارد کرد. ذکر مثال‌هایی از این مورد در نظام بانکداری بدون ربا در کشور می‌تواند مفید باشد.

همان‌طور که محققین مالیه اسلامی به خوبی نشان داده‌اند، در هر یک از عقود اسلامی حقوق مشخصی برای طرفین عقد در نظر گرفته شده است که نمی‌توان به آن بی‌توجه بود (صدیقی، ۱۳۸۷، ۹۲). اما در عمل شاهدیم که بانک‌های فعال در کشور در هنگام اعطای تسهیلات (به ویژه در عقود مشارکتی) با استفاده ناصحیح از عقد صلح، حقوقی که در عقود اسلامی برای وام‌گیرنده تعریف می‌شود را به طور کامل از بین می‌برند، به نحوی که هم بانک و هم دریافت‌کننده تسهیلات از ابتدای معامله از اینکه مشارکتی به صورت واقعی انجام نخواهد شد و وام‌گیرنده نیز مجبور است نرخ سود مشخص و معینی را به بانک تحویل دهد، مطمئن هستند. انجام این کار گرچه شاید به لحاظ فقهی و بر اساس جایز بودن صلح ابتدایی در فقه شیعی، فاقد اشکال باشد، اما با اهداف شارع مقدس در وضع عقود مشارکتی و مطرح ساختن حقوقی برای طرفین آن در تعارض است. از بین بردن حقوق سرمایه‌گذاران در سطح گسترده، شاید در یک و چند مورد، ظاهراً مشکلی برای نظام بانکی ایجاد نکند، اما زمانی که این امر به رویه‌ای عمومی و قاعده‌ای برای نظام‌سازی تبدیل شود، منجر به غیرواقعی شدن عملکرد نظام بانکداری اسلامی از دید ناظر بیرونی و همگرایی هر چه بیشتر این نظام با نظام بانکداری متعارف می‌گردد.

مثال دیگر در این زمینه جوایز بانکی است. در حال حاضر بانک‌های مختلف به منظور جذب سپرده‌گذاران، همه روزه انواعی از جوایز نقدی و غیرنقدی را برای حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز در نظر می‌گیرند و با تبلیغات گسترده در رسانه‌های جمعی در رابطه با این جوایز اطلاع‌رسانی می‌کنند. در پایان نیز تنها بخشی از وجوه جمع‌آوری‌شده را به قرض‌الحسنه تخصیص داده و مابقی

عمل کردن نظام بانکی (تا حد ممکن) افزایش یابد.

به منظور انجام هرگونه اصلاحی، آسیب‌شناسی دقیق چالش‌های نظام بانکداری اسلامی در کشور یک نیاز و ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، تلاش می‌کند تا به صورت مختصر، ابعاد مرتبط با بانکداری اسلامی در طرح تحول نظام بانکی را برجسته کرده و این کار را از طریق ارزیابی و آسیب‌شناسی چالش‌های موجود بانکداری بدون ربا در کشور انجام می‌دهد. هدف اصلی این آسیب‌شناسی، معطوف‌نمودن توجه مسئولان بانک مرکزی و تصمیم‌گیران طرح تحول در نظام بانکی به ابعاد مشکل‌دار نظام بانکداری در کشور از دیدگاه تطابق با تعالیم اقتصاد و مالیه اسلامی است. گرچه تمرکز اصلی مقاله، تنها برجسته‌نمودن این چالش‌ها می‌باشد، اما در هر مورد تلاش می‌شود تا ضمن ارائه مثال‌هایی از عدم تطابق عملکرد فعلی نظام بانکی با تعالیم اسلامی، راه‌حلی هر چند ابتدایی نیز ارائه شده و از این طریق، به منظور دستیابی به راه‌حلی دقیق‌تر، زمینه طرح مباحث تکمیلی در محافل علمی فراهم آید. در ذیل به بررسی این چالش‌ها می‌پردازیم:

## ۲. آسیب‌شناسی نظام بانکداری اسلامی در کشور

### ۱-۲. حاکمیت نگاه صرفاً فقهی

یکی از چالش‌های نظام بانکداری بدون ربا در کشور، مشکل غلبه دیدگاه فقهی صرف در حوزه تدوین مقررات، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و عقود مرتبط با بانکداری اسلامی است. منظور از دیدگاه فقهی صرف، دیدگاهی است که تنها بر حل مشکلات فقهی در عمل توجه داشته و به اهداف، اصول و مبانی نظام اقتصاد و مالیه اسلامی توجهی نمی‌کند. این در حالی است که بررسی ادبیات اقتصاد و مالیه اسلامی به خوبی نشان‌دهنده آن است که مالیه اسلامی ابعاد فراقه‌فهی دارد که لازم است در تمامی مباحث اجرایی به آن توجه ویژه شود. به عنوان نمونه عبوضلو (۱۳۸۷) ضمن بیان سه اصل عدالت، کارایی و تراضی، ویژگی‌های نظام پولی اسلامی را مواردی مانند تبعیت قیمت پول (نرخ سود) از بازار واقعی کالاها و خدمات (ارتباط تمامی عقود اسلامی با بخش واقعی اقتصاد)، روابط پولی مبتنی بر معیار حق و عدل، تابعیت نماء از اصل، لزوم تداول ثروت میان افراد جامعه و غیره در نظر می‌گیرد.

به نظر می‌رسد تمامی این موارد، مبانی نظام بانکداری اسلامی را

## ۲-۲. نقص در تأمین عدالت توزیعی

یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد اسلامی برقراری عدالت توزیعی در جامعه اسلامی است. نظام بانکداری اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های اقتصاد اسلامی، در تخصیص منابع جهت تأمین و پشتیبانی مالی فرآیندهای تولیدی و رفع نیازهای مصرفی و وظیفه خطیری برعهده دارد و لازم است توزیع خدمات مالی به افراد مختلف به صورت عادلانه صورت گیرد. در واقع لازم است نظام مالیه اسلامی در کشور به نحوی اصلاح شود که تمامی افراد (فقیر و یا غنی) که شایستگی تأمین مالی را دارند، بتوانند از آن بهره‌مند باشند. متأسفانه وضع موجود نظام بانکی در کشور در این زمینه چندان رضایت‌بخش نیست. پایین‌بودن وام‌های پرداختی قرض‌الحسنه و استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز در فعالیت‌های سودده نشانه‌هایی از عدم توجه کافی به عدالت توزیعی در نظام بانکداری بدون ربا در کشور است.

### راهکارهای پیشنهادی

الف. ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه و توجه ویژه به بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه؛



هدف اصلی این آسیب‌شناسی، معطوف‌نمودن توجه مسئولان بانک مرکزی و تصمیم‌گیران طرح تحول در نظام بانکی به ابعاد مشکل‌دار نظام بانکداری در کشور از دیدگاه تطابق با تعالیم اقتصاد و مالیه اسلامی است

را در فعالیت‌های سودده به کار می‌گیرند. گرچه بر اساس دیدگاه صرف فقهی در عقد قرض، هر دوی این اقدامات (پرداخت جوایز با قرعه‌کشی و یا استفاده از وجوه قرض‌الحسنه در فعالیت‌های سودده اقتصادی) هیچ‌گونه اشکالی ندارد، اما از دیدگاه اقتصاد اسلامی، هر دوی این پدیده‌ها ناصواب است.

لذا یک نظام بانکداری اسلامی نباید عملیات خود را بر این بنیان‌های ضعیف بنا نهد. نامشروع بودن استفاده از وجوه قرض‌الحسنه در فعالیت‌های سودده کاملاً واضح است، زیرا عقد قرض‌الحسنه در مالیه اسلامی عقدی تبرّعی (خیرخواهانه) بوده و با هدف کمک به دیگران انجام می‌شود. حال اگر سپرده‌گذاران واقعاً نیت کمک به دیگران را دارند، لازم است بانک به عنوان وکیل آنها، به افراد نیازمند، تسهیلات قرض‌الحسنه اعطا کند. همچنین پرداخت جایزه با استفاده از قرعه‌کشی و به صورت شانسی نیز، با اصول اقتصاد اسلامی در تعارض آشکار است، زیرا یکی از اصول اقتصاد اسلامی آن است که هر گونه انتقال وجه از فردی به فرد دیگر، بر اساس معیار حق و عدل انجام شود. حال سؤال این است که بر اساس کدام معیار، نظام بانکی این حق را دارد که به صورت شانسی به یک سپرده‌گذار (که شاید سپرده اندکی داشته باشد) مبلغ هنگفتی را به عنوان جایزه ارائه دهد و در مقابل، عده زیادی (که شاید سپرده‌های قابل توجهی داشته باشند) را از آن محروم کند؟ دلیل و شاخص صحت این رفتار کدام است؟

### راهکارهای پیشنهادی

الف. توجه کافی به کلیات و اصول مالیه اسلامی در تدوین تمامی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی بانکداری بدون ربا؛  
ب. توجه به ماهیت عقود مشارکتی و مبادله‌ای و تدوین ضوابط و شروط ذیل عقود، به نحوی که عقود را از ماهیتی که دارند خارج نکند؛  
ج. نظارت فعال بانک مرکزی بر تأمین اهداف اقتصاد اسلامی در عمل و جلوگیری از عملیاتی‌شدن فرآیندها، روش‌ها و شیوه‌هایی که با کلیات بانکداری اسلامی در تعارض‌اند؛ هر چند فاقد مشکل فقهی باشند.

یکی از چالش‌های نظام بانکداری بدون ربا در کشور، مشکل غلبه دیدگاه فقهی صرف است. این دیدگاه تنها بر حل مشکلات فقهی در عمل توجه داشته و به اهداف، اصول و مبانی نظام اقتصاد و مالیه اسلامی توجهی نمی‌کند

جعاله‌ای اقساطی بسته و به عنوان عامل از طرف فرد (جاعل)، انجام عمل را بر عهده می‌گیرد. علاوه بر این و در عقد وکالت دیگری، فرد را مأمور خرید خدمت مذکور برای خودش می‌کند. در این حالت و در عقد دوم، فرد وجه مورد نیاز جهت انجام خرید را نقداً از بانک دریافت کرده و معمولاً فرد، خرید خدمتی انجام نمی‌دهد. نتیجه آنکه فرد پول نقدی را دریافت کرده و متعهد است آن را با مبلغی مازاد بازگرداند. معامله‌ای که قطعاً صوری بوده و همان ربای قرضی به حساب می‌آید.

#### راهکارهای پیشنهادی

الف. ارائه عقود اسلامی به صورت متنوع به سرمایه‌گذاران به نحوی که انگیزه برای وارد شدن در معاملات صوری کاهش یابد؛  
ب. در نظر گرفتن وظیفه نظارت شرعی برای واحد نظارت بانک مرکزی و ارائه ابزارها و تصویب قوانین مورد نیاز؛  
ج. فرهنگ‌سازی و تفهیم این نکته به ذی‌نفعان نظام بانکی که صورتی‌سازی قراردادها موجب بطلان عقود و عدم امکان تصرف متقاضی در وجوه می‌شود.

#### ۴-۲. چالش‌های مرتبط با قانون بانکداری بدون ربا

یکی دیگر از چالش‌های اجرای بانکداری اسلامی در کشور، ضعف‌های موجود در قانون بانکداری بدون رباست. در واقع، علی‌رغم نقاط قوت این قانون، نقاط ضعف مختلفی نیز در آن وجود دارد که اصلاح آن می‌تواند به عنوان یکی از محورهای اصلی طرح تحول در نظام بانکی مورد توجه قرار گیرد (موسویان، ۱۳۸۵، ۱۵). به عنوان مثال در قانون فعلی هیچ تفکیکی بین قرض بدون بهره و قرض‌الحسنه در نظر گرفته نمی‌شود. نمره اینکه تمامی سپرده‌های جاری و پس‌انداز بر اساس عقد قرض‌الحسنه تعریف شده‌اند. این در حالی است که عقد قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی دارای ویژگی تبریعی است و نیت فرد باید نوعی ایثار باشد. بنابراین اگر فردی به منظور بهره‌برداری از خدمات مالی، حساب جاری افتتاح کند و یا اینکه به منظور دستیابی به جوایز بانکی حساب

ب. نظام بانکی با استفاده از تجربه موفق تأمین مالی خرد در سطح بین‌المللی به منظور ارائه وام به فقرا تولیدی به صورت گروهی توجه ویژه داشته باشد. این کار می‌تواند از طریق تشکیل بجه‌ها و یا شعب تأمین مالی خرد در بانک‌های کشور انجام شود. وظیفه این شعب می‌تواند ارائه تسهیلات بر اساس عقود اسلامی به فقرا تولیدی به صورت گروهی باشد. این کار، مکمل وظیفه صندوق‌های قرض‌الحسنه است که اکثراً وام‌های مصرفی در مبالغ کوچک به فقرا می‌دهند. در ادبیات اقتصاد اسلامی، تحقیقات خوبی در این رابطه انجام شده است و تجارب مفیدی نیز در این زمینه وجود دارد که می‌تواند برای نظام بانکی در کشور ما قابل استفاده باشد (میسمی و شهیدی‌نسب، ۱۳۸۹، ۱۳).

#### ۳-۲. صوری بودن اجرای بانکداری بدون ربا

یکی از چالش‌های بسیار جدی نظام بانکداری بدون ربا در کشور در بیش از ربع قرن فعالیت خود، چالش صورتی‌سازی می‌باشد. منظور از صورتی‌بودن آن است که گرچه واقعاً قراردادی که طرفین امضا می‌کنند، عنوان یکی از عقود شرعی (مانند مضاربه) را دارد، اما در عمل، هیچگونه مضاربه‌ای اتفاق نیفتاده و صرفاً فاکتورها و برگه‌هایی جابه‌جا می‌شوند. وسعت این چالش (که باید نام آن را بحران نهاد) به حدی است که برخی از محققین اقتصاد اسلامی و حتی برخی از مراجع عظام تقلید صراحتاً اعلام کرده‌اند که بخشی از معاملات انجام‌شده در نظام بانکداری بدون ربا در کشور، صورتی است.<sup>۲</sup> این چالش، به‌طور قطع یکی از دلایل اصلی عدم اعتماد برخی علما و گروهی از مردم به اسلامی‌بودن عملکرد بانکداری بدون ربا در کشور است. صورتی‌شدن عملیات بانکداری بدون ربا در عقود مختلف منجر به ربوی‌شدن آن می‌گردد، زیرا بر اساس اصل فقهی بسیار مهم، عقود، تابع قصود و اهداف طرفین می‌باشند<sup>۳</sup> و اگر طرفین قصد جدی در انجام معامله نداشته باشند، معامله‌ای انجام نخواهد شد و تنها دریافت پول و بازپرداخت آن به مبلغ بیشتر مورد توجه طرفین قرار می‌گیرد که این، به‌طور قطع، رباست.

به عنوان نمونه در این رابطه می‌توان به عقد جعاله اشاره کرد. در حال حاضر اجرای عقد جعاله در برخی موارد (که متأسفانه تعدادشان هم زیاد است) بدین صورت است که فرد متقاضی تسهیلات، به بانک مراجعه کرده و تقاضای خرید خدمتی می‌کند. بانک با این فرد عقد

مثال دیگر در این رابطه، فقدان راهکار مناسب جهت ارتباط بین بانک‌های اسلامی ایران و بانک‌های متعارف و اسلامی در سطح بین‌المللی است. این در حالی است که موضوع ارتباط با بانک‌های سایر کشورها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به حساب می‌آید.

#### راهکارهای پیشنهادی

الف. تفکیک قانونی حساب‌های قرض‌الحسنه از حساب‌های قرض بدون بهره؛

ب. تغییر قانونی رابطه بانک با سپرده‌گذاران در سپرده‌های جاری و پس‌انداز از عقد قرض بدون بهره به عقد وکالت؛

ج. توسعه قانونی ابزارهای مالی اسلامی در حوزه تجهیز و تخصیص منابع؛

د. ارائه ابزارهای شرعی و قانونی مناسب جهت ارتباط با بانک‌های متعارف و اسلامی در سطح بین‌المللی.

## ۲-۵. نقص در فهم و تفهیم کلیات بانکداری اسلامی و عقود بانکی

یکی دیگر از چالش‌های نظام بانکی کشور، این است که فهم درستی نسبت به اصول بانکداری اسلامی و همچنین، ضوابط انواع عقود میان ذی‌نفعان نظام بانکی وجود ندارد. در توضیح باید گفت اجرای صحیح عقود شرعی در نظام بانکی مانند مضاربه، جعاله، مرابحه و غیره، نیازمند آن است که مدیران و کارکنان بانک‌های کشور، اصول مالیه اسلامی و همچنین تعاریف و ماهیت عقود بانکی را درک کرده و بتوانند آن را به صورت مختصر و با بیانی ساده به سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان وجوه نیز توضیح دهند. متأسفانه در حال حاضر، در اکثر موارد، سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران (و بعضاً حتی کارمندان و مدیران بانک) درک مشخصی از رابطه حقوقی فرد با بانک در عقود مختلف ندارند و نقل و انتقال وجوه تنها محدود به امضای چند قرارداد شده است. این مسأله صحت شرعی اجرای قراردادهای بانکی را مورد تشکیک قرار می‌دهد.

#### راهکارهای پیشنهادی

الف. تشکیل کمیته‌های فقهی در شعب مرکزی تمامی بانک‌های فعال در اقتصاد کشور (مانند اکثر بانک‌های اسلامی فعال در سایر کشورها)؛ یکی از وظایف مهم این کمیته‌ها، معرفی عقود اسلامی به ذی‌نفعان نظام بانکی است؛

یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد اسلامی برقراری عدالت توزیعی در جامعه اسلامی است. نظام بانکداری اسلامی در تخصیص منابع جهت تأمین و پشتیبانی مالی فرآیندهای تولیدی و رفع نیازهای مصرفی وظیفه خطیری برعهده دارد و لازم است توزیع خدمات مالی به افراد مختلف به صورت عادلانه صورت گیرد

پس‌انداز افتتاح کند، گرچه قرض بدون بهره به بانک داده است، اما نمی‌توان نام آن را قرض‌الحسنه نهاد.

مثال دیگر در حوزه چالش قانون بانکداری بدون ربا، عدم تناسب آن با نیازهای گروه‌های مختلف سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان تسهیلات است. مثلاً در حال حاضر نظام بانکی در حوزه تجهیز منابع، هیچ‌گونه راهکاری برای سپرده‌گذارانی که علاقه‌مندند ضمن پذیرش ریسک بیشتر، بازدهی بیشتری نیز دریافت کنند، ارائه نمی‌دهد. همچنین در حوزه تخصیص منابع نیز می‌توان ابزارهای مالی اسلامی دیگری مانند خرید دین، استصناع و غیره را نیز به قانون بانکداری بدون ربا اضافه کرد.<sup>۴</sup>



در حال حاضر بانک‌ها سپرده‌های سرمایه‌گذاری مختلفی دارند که ماهیت این نوع از سپرده‌ها وکالت است، نه عقد قرض. اما با این حال، به دلیل فقدان شیوه‌های حسابداری مناسب، در بانک‌های کشور با این دسته از سپرده‌ها دقیقاً مشابه سپرده‌های قرضی برخورد می‌شود

قطعی تلقی گردیده و مبنایی برای تسویه می‌گردند. گرچه در نظر گرفتن نرخ علی‌الحساب به لحاظ دیدگاه صرف فقهی فاقد اشکال است، اما انجام این کار صدمات زیادی به نظام بانکی وارد کرده است. از جمله اینکه باعث گردیده عملیات بانکداری بدون ربا در کشور مشابه عملیات بانکداری ربوی در سایر کشورها شود و افراد احساس کنند در بانک‌های کشور به پول، نرخ معین، مشخص و از پیش تعیین شده تعلق می‌گیرد که رابطه‌ای با فعالیت‌های اقتصادی ندارد. جالب توجه است که مسأله پرداخت سود علی‌الحساب نه در کشورهایی که بر اساس نظام بهره کار می‌کنند، دارای سابقه است و نه در کشورهای اسلامی که به نحوی، بانکداری بدون ربا دارند.

راه‌حلی که در این زمینه به نظر می‌رسد آن است که همان‌طور که بانک‌ها در بخش تسهیلات، عقود با نرخ ثابت (مانند فروش اقساطی) و متغیر (مانند مشارکت مدنی) دارند، دو نوع کلی سپرده سرمایه‌گذاری طراحی شود که هر نوع بتواند زیرمجموعه‌هایی نیز داشته باشد؛ بدین نحو که در سپرده نوع اول وکالت در استفاده از سپرده‌ها تنها در عقود مبادله‌ای بوده و در نوع دوم وکالت در استفاده از سپرده‌ها تنها در عقود مشارکتی باشد. در این شرایط بانک‌ها می‌توانند نرخ سود سپرده نوع اول را از ابتدا اعلام کنند و حتی به صورت ماهیانه آن را بپردازند. این نوع سپرده‌ها مخصوص افراد ریسک‌گریز است. اما نوع دوم سپرده‌ها، وکالت در استفاده مشارکتی از وجوه است و نرخ آنها در پایان هر سال محاسبه می‌شود و بانک نمی‌تواند از ابتدا هیچ نوع نرخ برای آنها اعلام کند. حتی بانک در این نوع سپرده‌ها می‌تواند تعهدی به تضمین سود نداشته و تنها اصل سپرده‌ها را تضمین کند.<sup>۵</sup> از این رو این سپرده‌ها ریسک بیشتری داشته و بازدهی بالاتری نیز دارند. به نظر می‌رسد این دسته از سپرده‌ها مخصوص افراد ریسک‌پذیری باشد که به هر دلیل به حضور در بازار سرمایه علاقه‌مند نیستند (مثلاً به دلیل اینکه تمایل دارند حداقل از تضمین اصل وجوهشان مطمئن باشند).

ب. در نظر گرفتن معیارهای مرتبط با فهم بانکداری اسلامی در جذب مدیران و کارکنان نظام بانکی؛

ج. برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران و کارمندان بانکی توسط کمیته مشورتی بانکداری اسلامی در بانک مرکزی.

## ۶-۲. فقدان راه‌حلی جامع در مسأله تأخیر تأدیه

یکی از چالش‌هایی که نظام بانکداری بدون ربا در کشور با آن مواجه است، مسأله بازپرداخت مطالبات بانکی می‌باشد. در واقع، هنوز راهکار مشخصی به منظور حل مشکل بازپرداخت که به لحاظ اقتصادی قابل قبول بوده و با اصول فقهی نیز در تعارض نباشد، طراحی نشده است. بررسی تاریخی اجرای بانکداری بدون ربا در کشور نشان می‌دهد موضوع بازپرداخت منابع و به طور خاص جریمه دیرکرد، از جمله مواردی است که پس از انقلاب اسلامی همواره مورد بحث و چالش فقهی - حقوقی بوده و هنوز راه‌حل مناسبی برای آن ارائه نشده است (موسویان، ۱۳۸۹، ۲۲).

### راهکارهای پیشنهادی

الف. تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها به نحوی که به کاهش ریسک نکول در نظام بانکی منجر شود؛

ب. تشکیل بانک جامع اطلاعات مشتریان و ایجاد تدابیر تشویقی و تنبیهی جهت جلوگیری از به تأخیر افتادن تأدیه منابع بانکی. به عنوان مثال، در نظر گرفتن رتبه اعتباری مثبت برای وام‌گیرندگانی که منابع را به‌موقع به بانک باز می‌گردانند و در مقابل، رتبه اعتباری منفی برای نکول‌کنندگان، می‌تواند یکی از این تدابیر باشد. واضح است که این رتبه‌های اعتباری می‌تواند در تصمیم به وام‌دادن مجدد به فرد تأثیرگذار باشد؛

ج. کمیته مشورتی بانکداری اسلامی در بانک مرکزی، ضمن برگزاری جلساتی با فقها و صاحب‌نظران اقتصادی، جهت حل چالش جریمه تأخیر تأدیه الگوی مناسب فقهی - اقتصادی، ارائه دهد.

## ۷-۲. چالش نرخ سود علی‌الحساب

چالش دیگر نظام بانکداری بدون ربا در کشور، مسأله پرداخت سود علی‌الحساب است. در واقع به دلیل آنکه قانون، بانک‌ها را از پرداخت سود علی‌الحساب منع نکرده است، بانک‌ها این نرخ‌ها را محلی برای رقابت با یکدیگر قرار داده و متأسفانه در بسیاری از موارد، این نرخ‌ها

و آسابرسى و متفكرين بانكدارى و ماليه اسلامى در بانك مركزى به منظور دستيابى به استانداردهاى آسابدارى و آسابرسى بهينه براى بانكهاى كشور.

## ۹-۲. عدم آوجه به نظارت شرعى

بانكهاى اسلامى نيز مانند بانكهاى متعارف با انواعى از ريسكها مواجهاند كه راهحلهاى مرتبط با مديريت اين ريسكها در ادبيات نظارت بانكى، كه به ويژه بعد از بحران مالى سال ۲۰۰۸ توسعه زيادى يافته، به خوبى مطرح شده است. در رابطه با مديريت اين دسته از ريسكها تفاوتى بين بانكهاى اسلامى و غيراسلامى وجود ندارد. اما مسأله نظارت بر بانكهاى اسلامى، به دليل ماهيتى كه دارند، در برخى موارد، ابعاد خاصى پيدا مى كند كه نمى توان نسبت به آن بى تفاوت بود. يكى از اين موارد مسأله ريسك شريعت است. منظور از ريسك شريعت، خطرى است كه نظام بانكى را از ناحيه عدم انطباق فعاليتهاى كه در آن انجام مى شود با اصول بانكدارى بدون ربا و قوانين مرتبط، تهديد مى كند.

به نظر مى رسد تحقيقات انجام شده در حوزه نظارت در ادبيات متعارف اقتصاد، نمى تواند به اين نياز نظام بانكدارى بدون ربا پاسخ دهد. از اين رو لازم است در اين زمينه به ادبيات توليدشده در حوزه ماليه اسلامى و همچنين تجربه بانكهاى اسلامى در ساير كشورهاى اسلامى مراجعه شود. بررسى تجربه نظارت شرعى و حداقل سازى ريسك شريعت، حاكى از آن است كه اكثر بانكهاى اسلامى فعال در ساير كشورها، توسط نهادهاى گوناگونى مانند شوراي تخصصى فقهى، شوراي فقهى، شوراي شريعت، كميته شريعت و غيره به اين موضوع پرداخته اند (موسويان و ديگران، ۱۳۸۸، ۱۵).

متأسفانه در نظام بانكدارى بدون ربا در كشور ما، هيچ نهادى به طور مشخص مسؤليت نظارت شرعى را بر عهده ندارد. نتيجه اين شده است كه در موارد متعددى عملكرد بانكهاى كشور، با اصول بانكدارى اسلامى تطابق ندارد. به عنوان مثال به دليل آنكه نهادى مسؤليت ارزىابى دقيق مفاد قراردادهاى كه در بانكهاى مختلف (در چارچوب قانون بانكدارى بدون ربا) تدوين مى شود را بر عهده ندارد، بعضاً مشاهده مى شود اين قراردادها داراى اشكالات شرعى متعدد هستند. مثال ديگر در اين زمينه، اين مطلب است كه: «در طول تاريخ بانكدارى بدون ربا در كشور، در ميان هزاران تخلف و اختلاس بانكى، موردى پيدا نمى شود كه بانك، مدير و يا فرد خاصى، به دليل

يكى از چالشهاى بسيار جدى نظام بانكدارى بدون ربا در كشور در بيش از ربع قرن فعاليت خود، چالش صورتى سازى مى باشد

نمره اين بحث آن است كه بانكها استخرى از سپردههاى وكالتى به شرط استفاده در عقود مبادله اى (با نرخ سود از ابتدا ثابت) و استخرى از سپردههاى وكالتى به شرط استفاده در عقود مشاركتى (بدون هر نوع نرخ سود قطعى يا على الحساب در ابتدا) ارائه مى دهند و بساط سود على الحساب از نظام بانكدارى بدون ربا در كشور جمع مى شود.<sup>۶</sup> پديده اى كه به نظر مى رسد مضراتش براى نظام بانكدارى بدون ربا بيش از منافعش بوده است. پديدارى شائبه ربا و بى اعتمادشدن جامعه به اسلامى بودن عملكرد بانكى، تنها يكى از اين ضايعات است.

## ۸-۲. فقدان استانداردهاى آسابدارى و آسابرسى خاص بانكهاى اسلامى

يكى ديگر از چالشهاى نظام بانكدارى بدون ربا، مسأله آسابدارى فعاليتهاى بانكهاى اسلامى است. به نظر مى رسد اجراى صحيح بانكدارى بدون ربا در كشور، منوط به اصلاح معيارهاى آسابدارى متعارف مى باشد، به نحوى كه با نيازها و عمليات خاص بانكهاى اسلامى متناسب گردند. به عنوان مثال در حال حاضر بانكها سپردههاى سرمايه گذارى مختلفى دارند كه ماهيت اين نوع از سپردهها وكالت است، نه عقد قرض. اما با اين حال، به دليل فقدان شيوههاى آسابدارى مناسب، در بانكهاى كشور با اين دسته از سپردهها دقيقاً مشابه سپردههاى قرضى برخورد مى شود و اصل و سود اين دسته از سپردهها در ستون بدهكارى بانك (در ترازنامه) و جزء هزينههاى سرمايه به ثبت مى رسند. همچنين در حوزه آسابرسى نيز هيچگونه معيار و شاخص مخصوصى براى بررسى بانكهاى اسلامى در نظر گرفته نمى شود.

### راهكارهاى پيشنهاده

الف. استفاده از تجارب ساير بانكهاى اسلامى و مؤسسات بين المللى، به عنوان نمونه تجربه مؤسسه آسابدارى و آسابرسى بانكهاى اسلامى؛<sup>۷</sup>  
ب. تشكيل نشستهاى هم انديشى بين متخصصين آسابدارى



## لازم است برنامه بلندمدت تحول در نظام بانکی در راستای بانکداری اسلامی، تحت عنوان «سند چشم‌انداز اسلامی‌سازی نظام بانکی در کشور» در بانک مرکزی تدوین شده و با توجه به این سند، برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت تدوین گردند

بانک‌های کشور به منظور اجرای صحیح عقود مختلف (به ویژه عقود مشارکتی) نیاز به سازماندهی خاصی دارند. به عنوان نمونه، در عقود مشارکتی، لازم است بانک‌ها به عنوان شریک سرمایه‌گذار، بر پروژه نظارت داشته باشند. به دلیل هزینه‌بر بودن این امر و اینکه هیچ مؤسسه یا نهادی در کشور وجود ندارد که بتواند این خدمت (نظارت بر اجرای صحیح عقود) را به بانک عرضه کند، بانک‌ها معمولاً هنگام تدوین عقود، سعی می‌کنند این مشکل را حل کنند. به عبارت دیگر، با استفاده از راهکارهای مختلف (به طور عمده قرارداد صلح ابتدایی) تلاش می‌کنند تا چالش نظارت را در داخل عقد حل کنند؛ به نحوی که دیگر نیازی به نظارت بانک نبوده و بانک از دریافت اصل و سود خود مطمئن باشد. این در حالی است که عقد، به هیچ‌وجه محل مناسبی برای حل این مشکل نیست. متأسفانه این کار تاکنون منجر به صوری شدن تعداد زیادی از عقود مشارکتی شده است.

یکی دیگر از چالش‌های ساختاری در کشور که اجرای قانون بانکداری بدون ربا را با مشکلاتی مواجه ساخته است، مسأله ضعف نظام آموزش علم اقتصاد و مدیریت مالی در کشور است. در واقع، همان‌طور که برخی از تحقیقات نشان داده‌اند، نظام فعلی آموزش علم اقتصاد و مدیریت مالی در کشور، آشنایی لازم در رابطه با کلیات اقتصاد اسلامی، مالیه اسلامی، بانکداری اسلامی و غیره را برای دانشجویان فراهم نمی‌کند (میسمی و عیوضلو، ۱۳۸۸، ۱۳). این دانشجویان که در دوره‌های بعد، اساتید، مدیران اجرایی، تصمیم‌گیران و کارمندان نظام بانکی خواهند بود، همچنان با این مشکل علمی مواجه بوده و این خود اجرای قانون بانکداری بدون ربا را دشوار می‌سازد.

چالش ساختاری دیگر در این زمینه، عدم آشنایی عامه مردم با اصول و قوانین بانکداری اسلامی می‌باشد. به عنوان مثال در حال حاضر این برداشت ناصحیح میان بسیاری از مردم وجود دارد که دریافت و پرداخت هر نوع نرخ سود ثابت در نظام بانکی ریاست. از این رو، همچنان که آموزش خبرگان کشور در رابطه با نظام بانکداری

عدم رعایت اصول شرعی قراردادهای، یا به علت تخلف از قانون عملیات بانکداری بدون ربا توییح شده باشد» (موسویان، ۱۳۸۵، ۱۶).

### راهکارهای پیشنهادی

- الف. تشکیل کارگروه نظارت شرعی (نظارت بر اجرای قانون بانکداری بدون بهره) در مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در بانک مرکزی و تلفیق شورای فقهی بانک مرکزی در آن.
- ب. در نظر گرفتن جایگاه مشخص قانونی برای کارگروه فوق‌الذکر (شامل وظایف مشورتی، نظارتی و کنترلی).<sup>۸</sup>
- ج. تلاش در جهت تشکیل کمیته‌های نظارت شرعی در ستاد مرکزی تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی.

## ۲-۱۰. چالش‌های نهادی، ساختاری و سازمانی

آخرین و شاید مهم‌ترین چالش اجرای صحیح بانکداری بدون ربا در کشور، مشکلات نهادی، ساختاری و سازمانی می‌باشد که لازم است تا حد ممکن در طرح تحول نظام بانکی مورد توجه قرار گیرد. یکی از این چالش‌ها، چالش سازمانی است؛ به این معنی که در حال حاضر



دیگری مانند تسهیلات به شرط سپرده، چالش‌های نظام قرض‌الحسنه، چالش تورم و کاهش ارزش پول و غیره نیز در نظام فعلی بانکداری کشور وجود دارد که امکان بررسی آنها در این مختصر فراهم نشده است.

ب. همان‌طور که عمر چپرا و حبیب احمد (۱۳۸۷) بیان می‌کنند، فرآیند اسلامی‌شدن نظام‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی، فرآیندی تدریجی و زمان‌بر است. در رابطه با اسلامی‌شدن نظام بانکداری در کشور نیز این حرف دقیقاً برقرار است. از این رو، لازم است توجه شود که هرچند تحول در راستای اسلامی‌سازی نظام بانکداری در کشور، امری ضروری است، اما نمی‌تواند به صورت دفعی انجام شود. از این رو، لازم است برنامه بلندمدت تحول در نظام بانکی در راستای بانکداری اسلامی، تحت عنوان «سند چشم‌انداز اسلامی‌سازی نظام بانکی در کشور» در بانک مرکزی (در تعامل با سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴)، تدوین شده و با توجه به این سند، برنامه‌هایی میان‌مدت (در تعامل با برنامه‌های پنج‌ساله توسعه) و کوتاه‌مدت تدوین گردد. می‌توان نام مجموعه این برنامه‌ها را «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در نظام بانکی» نهاد. شاید اگر در اولین سال اجرای قانون بانکداری بدون ربا در کشور، چنین چشم‌انداز بلندمدتی تدوین شده بود، امروز و پس از ربع قرن تجربه بانکداری اسلامی، در وضعیت بسیار بهتری قرار داشتیم و می‌توانستیم به عنوان الگوی بانکداری اسلامی برای سایر کشورها مطرح باشیم.

ج. واضح است انجام اصلاحات باید با دیدگاهی جامع انجام شود و انجام‌نشدن اصلاحات، بهتر از انجام ناقص آن است. به عبارت دیگر اگر قانون بانکداری بدون ربا اصلاح نشود و از طرفی بخواهیم با کنترل و نظارت بر بانک‌ها، بر اجرای برخی موارد تأکید کنیم، وضع موجود اگر بدتر نشود، بهتر نخواهد شد.

د. اقتصاد اسلامی نظامی جامع و دارای ابعاد و زیرنظام‌های گوناگون است که همگی در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند. بانکداری اسلامی نیز یکی از این زیرنظام‌ها می‌باشد که لازم است در تعامل با سایر ارکان اقتصاد اسلامی (مانند دولت اسلامی، قرض‌الحسنه، وقف، زکات، خمس، صدقات و غیره)، اهداف نظام اقتصاد اسلامی (مانند رفع فقر، دستیابی به پیشرفت مادی و معنوی، کاهش نابرابری‌های ناصحیح اجتماعی و ارائه خدمات مالی به تمامی گروه‌های جامعه) را تأمین نماید. مسلماً هر یک از این زیرنظام‌ها که وظایف خاص و مشخصی بر عهده دارند، مکمل یکدیگر بوده و هیچ یک از آنها

## اسلامی‌شدن نظام‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی، فرآیندی تدریجی و زمان‌بر است. در رابطه با اسلامی‌شدن نظام بانکداری در کشور نیز این حرف دقیقاً برقرار است

اسلامی یک ضرورت است، آموزش عامه مردم در این رابطه نیز ضروری است.

### راهکارهای پیشنهادی

الف. پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی با همکاری دولت محترم، مقدمات تشکیل مؤسسات تقویت‌کننده<sup>۹</sup> در نظام بانکداری اسلامی در کشور را فراهم نماید. مؤسسات تقویت‌کننده، مؤسساتی هستند که با هدف کمک به بانک‌های اسلامی در راستای اجرای صحیح بانکداری بدون ربا تشکیل می‌شوند. برخی از این مؤسسات عبارت‌اند از: مؤسسات رتبه‌بندی مشتریان، مؤسسات نظارت بر اجرای عقود مختلف، مؤسسات پی‌گیری مطالبات معوق و غیره؛<sup>۱۰</sup>

ب. گرچه متولی امر آموزش و اصلاح آن در کشور، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشند، اما نهادهای آموزشی و پژوهشی وابسته به بانک مرکزی نیز می‌توانند با ارائه دوره‌های تحصیلات تکمیلی برای دانشجویان و همچنین برگزاری دوره‌های تخصصی برای مدیران، زمینه‌های اصلاح نظام آموزش رشته اقتصاد و مدیریت مالی را در کشور فراهم نمایند؛<sup>۱۱</sup>

ج. پیشنهاد می‌شود رسانه‌های گروهی، از جمله صدا و سیما، ضمن تولید برنامه‌های آموزشی و دعوت از صاحب‌نظران، زمینه‌های آشنایی عامه مردم با مبانی بانکداری اسلامی را فراهم نمایند.

### ۳. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

به نظر می‌رسد یکی از محورهای اصلی طرح تحول اقتصادی، بحث تقویت بعد اسلامی نظام بانکداری در کشور است. این تحقیق تلاش کرد برخی از ابعاد این تحول را برجسته نموده و در هر مورد راهکارهایی را به منظور انجام اصلاحات و تحول ارائه دهد. لازم است پژوهش‌های آتی، هر یک از چالش‌های مطرح‌شده در این تحقیق را به صورت جزئی‌تر مورد بررسی قرار دهند. در پایان، ذکر چند نکته مفید به نظر می‌رسد:

الف. مسلماً ده چالش مطرح‌شده در این تحقیق، تمامی چالش‌های موجود در حوزه بانکداری اسلامی در کشور نیست. چالش‌های مهم

نمی‌تواند جایگزین دیگری باشد. از این رو نمی‌توان از بانکداری اسلامی انتظار داشت به تنهایی تمامی اهداف نظام اقتصادی اسلام را تأمین کند.

## پی‌نوشت‌ها:

۱- ماده یک قانون بانکداری بدون ربا صراحتاً بر اهمیت استقرار نظام پولی اسلامی تأکید داشته و اولین هدف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران را «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» در نظر می‌گیرد (متن قانون بانکداری بدون ربا، موجود در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: <http://www.cbi.ir>).

۲- به عنوان نمونه محمد جواد محقق صراحتاً بیان می‌دارد که: «هشتاد درصد معاملات انجام‌شده در چارچوب بانکداری بدون ربا در کشور صوری است» (به نقل از سایت <http://sarafiarman.com/newsdetail-۲۲-fa.html>; تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۸۹/۱۱/۶)؛ و یا اینکه آیت الله نوری همدانی از مراجع تقلید در این رابطه بیان داشته‌اند: «متأسفانه ربا هنوز در بانک‌های ایران وجود دارد و تنها شکل آن تغییر کرده است» (به نقل از سایت <http://alefir.com/content/view/۹۲۴۷۶/۱۳۸۸/>; تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۸۹/۱۱/۶).

۳- «المقود تابعه للقصد».

۴- ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم نیز بر این مسأله تأکید شده است.

۵- همان طور که گفتیم بانک‌ها می‌توانند زیرمجموعه‌هایی برای این نوع در نظر بگیرند. مثلاً اینکه در یک مدل کاربردی، تنها نیمی از اصل مال تضمین گردد (البته این مدل نرخ سود بالاتری داشته باشد)، یا در نوع دیگر علاوه بر تضمین اصل، تا سه درصد، سود نیز توسط بانک تضمین گردد (البته برای این مدل نرخ سود پایین‌تری در نظر گرفته شود). طراحی این مدل‌های مختلف، می‌تواند محلی برای رقابت بانک‌های مختلف باشد که همگی در چارچوبی مورد تأیید قرار دارند.

۶- عدم پرداخت سود علی‌الحساب به تمامی سپرده‌های بانکی موردی است که در اکثر کشورهای اسلامی که به نحوی بانکداری اسلامی دارند، تجربه شده است. حتی در کشور ما نیز در چند سال اول اجرای قانون بانکداری بدون ربا، سود علی‌الحساب خیلی مرسوم نبوده است.

7-Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

۸- گرچه وظایف مشورتی و نظارتی این کارگروه مهم‌تر از وظیفه کنترلی است، اما به هر حال لازم است حداقل برای دوره‌های مشخص، بانک مرکزی برای این شورا وظایف کنترلی نیز در نظر بگیرد. به عنوان نمونه اینکه این کارگروه حق داشته باشد به بانک‌های مختلف، ناظر ارسال نموده و اگر عقده‌ای یا عقودی با اشکال شرعی مواجه بود و یا اجرای آن به صورت ناصحیح انجام می‌شد، به مدیران بانک تذکر دهد و در صورت تکرار، بانک متخلف از استفاده از عقد مورد بحث منع گردد.

9- Enabling Institutions

۱۰- این مؤسسات می‌توانند به صورت خصوصی تشکیل شوند و در ازای خدمتی که به بانک‌ها و مؤسسات مختلف ارائه می‌کنند، کارمزد دریافت کنند. مسلماً بر اساس اصل بازده به مقیاس، چون این مؤسسات در یک حوزه خاص تمرکز دارند، امکان انجام فعالیت‌هایی برایشان فراهم است که به تنهایی برای بانک‌ها فراهم نیست. به عنوان نمونه می‌توانند نرم‌افزارهای مرتبط با رتبه‌بندی مشتریان را طراحی نمایند.

۱۱- به عنوان نمونه و در کوتاه‌مدت، می‌توان مانند بسیاری از کشورهای اسلامی، در حوزه‌هایی چون اقتصاد اسلامی، مالیه اسلامی و بانکداری اسلامی دوره‌های کارشناسی‌ارشد، دکترای تخصصی و یا دکترای پژوهشی ارائه نمود.

## منابع و مأخذ

چپرا، عمر و احمد، حبیب. (۱۳۸۷). حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی. (حسین میسمی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

صدیقی، محمد نجات الله. (۱۳۸۷). ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام. (حسین میسمی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

عیوضلو، حسین. (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹.

موسویان، سید عباس. (۱۳۸۶). ابزارهای مالی اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

موسویان، سید عباس. (۱۳۸۹). جریمه تأخیر تأدیه. تهران: پژوهشگاه پولی و بانکی.

موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۵). الگوی جدید بانکداری بدون ربا. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۳.

موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۸). نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۶.

میسمی، حسین و شهیدی‌نسب، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی تجربه تأمین مالی خرد اسلامی در سریلانکا. تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۲۹.

میسمی، حسین و عیوضلو، حسین. (۱۳۸۸). بررسی ضرورت و نحوه به کارگیری رویکرد تلفیقی در اصلاح نظام آموزش علوم انسانی؛ با تأکید بر اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، شماره ۶۱.